

واکاوی چستی و چرایی صبر اجتماعی بر مبنای سیره و کلام امام علی (علیه السلام)

احسان یاوری* / فاطمه رضانی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۹

چکیده

صبر از جمله ملکات نفسانی است که در دین مبین اسلام، به جهت تأثیر بالا بر کیفیت زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، بسیار مورد تأکید واقع شده است. با وجود نقش انکارناپذیر صبر در مراودات جمعی و نقش آن در بهبود وضعیت زندگی اجتماعی، آنچه که بیشتر از جانب محققین و خطبای اسلامی مورد تبیین علمی و فرهنگ سازی واقع شده جنبه فردی صبر است. علی رغم اهتمام تک بعدی به مقوله صبر، سیره و کلام بزرگان دین اسلام برای باورمندان و پویندگان سبک زندگی اسلامی مشحون از آموزه‌هایی است که هر دو بعد این فضیلت را به غایت مورد تأکید و پرداخت قرار داده‌اند؛ که از این میان، صبر اجتماعی در سیره و کلام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، به جهت پیشوایی و رهبری امت نوپای اسلام در آن شرایط و برهه خاص تاریخی، تجلی و فروغ بیشتری داشته است. براین اساس در پژوهش حاضر، سیره و کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عنوان نمونه‌ای برجسته از بزرگان دین، در راستای تبیین صبر اجتماعی و برشماری مصادیق آن، مورد نظر واقع شده و با بهره‌گیری از روش توصیفی - استنباطی، پاسخ به این سوالات پی‌جویی گردیده است: «صبر اجتماعی به چه معناست؟ غرض از آن، و مصادیق آن بر پایه‌ی سیره و کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) چیست؟». نتایج تحقیق حاضر نشان از آن دارد که صبر اجتماعی در سیره و کلام امام علی (علیه السلام)، را می‌توان در دو مقوله صبوری در تعاملات اجتماعی و صبوری در چالش‌های اجتماعی خلاصه کرد؛ که صبوری در تعاملات اجتماعی، دربرگیرنده سه عنوان صبر مشفقانه، صبر مصلحانه و صبر مدبرانه بوده و صبوری در چالش‌های اجتماعی مشتمل بر صبر در برابر

*. استادیار و عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره).
ehsan.yavari@abru.ac.ir

** . استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول).
ramezani.f@lu.ac.ir

دشواری اقدامات اجتماعی، صبر در راه دستیابی به اهداف دور و بلند مدت، صبر در برابر مشکلات و محرومیت‌های اجتماع، صبر در برابر دسیسه‌ها و فشارهای روانی می‌باشد.

واژگان کلیدی

امام علی (علیه السلام)، صبر، صبر اجتماعی.

مقدمه:

در دین اسلام از میان انواع فضایل و ویژگی‌های انسانی، صبر از جمله با ارزش‌ترین فضیلت‌هاست؛ جایگاه صبر در این آیین توحیدی، تا به حدی است که خداوند در مدح انبیای اولوالعزم، از آنان با وصف «صابران»^۱ یاد می‌کند، و از نگاه قرآن کریم «صابران» گروهی‌اند که هنگام ورود به بهشت، سلام ویژه دریافت می‌کنند.^۲ افزون بر این «صبور» یکی از نام‌های خداوند است که در فرازهای دعای جوشن کبیر به آن اشاره شده و خداوند با آن نام خوانده می‌شود.^۳ (نوروزی، رضانی و یآوری، ۱۳۹۵، ص ۱۶۰ ش). از جمله نوادری که فضیلت صبر در وجودشان تجلی روشن و کامل یافته، امام علی (علیه السلام) می‌باشد؛ شاهد بر این مدعا معرفی حضرت با این خصلت محمود، هم در قرآن کریم و هم در بیان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است. به عنوان نمونه می‌توان به آیه‌ی ۱۲ سوره انسان^۴ اشاره داشت که بنا بر نظر بسیاری از مفسران در وصف امیرالمؤمنین (علیه السلام) نازل شده است، (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۲۱۴ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵ صص ۳۴۳-۳۴۵ ش). در روایتی منقول از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز آمده است: «اگر حلم و بردباری به صورت مردی ظاهر می‌شود، هر آینه‌ی او علی بود» (حموی جوینی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۶۸ ش). در همین رابطه، امام خمینی در وصف صابران، در رساله جنود عقل و جهل به نکته مهمی اشاره کرده، می‌نویسند: «رجل روحانی که بر فطرت اصلیه‌ی خدا داده باقی باشد، صبر و ثبات در هر چیز کند و عنان گسیختگی ننماید و قوت روح او بر مطلوبات طبیعت چیره شود و دست و پای خود را در پیش آمده‌ها گم نکند و چون از حب دنیا و نفس وارسته است، فقدان آنها او را نلرزاند» (خمینی، ۱۳۸۲، ص ۴۲۱ ش). امیرالمؤمنین (علیه السلام) را می‌توان نمونه آن رجل روحانی، و عالمی عامل دانست که هم آگاه به ارزش و

۱. فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل (قرآن کریم ۴۶: ۳۵).

۲. سلام علیکم بما صبرتم فنعمة عقی الدار (قرآن کریم ۱۳: ۲۴).

۳. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَتَّارُ يَا عَفَّارُ يَا فَهَّارُ يَا جَبَّارُ يَا صَبَّارُ (فراز: ۶۵).

۴. وَ جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا.

فضیلت صبر بوده و هم عامل و قائل و دعوت کننده به آن؛ درست به همین دلیل است که سیره و بیان ایشان بر محور این مفهوم بلند، محل بحث پژوهشگران قرار گرفته و بواسطه قلم و بیان جماعتی از محققان بسط و انتظام یافته است. به عنوان نمونه، صادقی واعظ، ۱۳۹۱ ش، در کتابی با عنوان صبر علی (علیه السلام) نجات اسلام، ضمن بیان اهمیت صبر در آیات و روایات، به تجزیه و تحلیل صبر امام علی (علیه السلام)، در مورد غضب جانشینی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) پرداخته است. قطبی، ۱۳۹۶ ش، در کتاب خود با عنوان صبر و استقامت در نهج البلاغه، به فرمایشات حضرت علی (علیه السلام)، در رابطه با صبر پرداخته و مبنای کار خویش را کتاب نهج البلاغه و بیانات آیت الله مکارم شیرازی قرار داده است. ربانی و ارزانی، ۱۳۹۴ ش، در مقاله خود با عنوان "تبیین و تحلیل روایی فضیلت اخلاقی صبر در نهج البلاغه" به دنبال این هستند که با کمک مطالعه شروع نهج البلاغه، به معنا و مفهوم دقیق واژه صبر از منظر امیرالمؤمنین (علیه السلام) دست یابند. اما در این میان آنچه مورد غفلت واقع شده یا به عبارت بهتر به شکل کامل و جامع، مورد بررسی قرار نگرفته مشخصاً بحث صبر اجتماعی امام علی (علیه السلام)، با در نظر گرفتن شرایط خاص جامعه و زمانه حیات مادی حضرت، ن ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰، صص ۸۵-۱۲۲ ش، است. در واقع غالب محققین و خطباء، همواره از دریچه فردی به فضیلت صبر نگرسته و سعی بر این داشته‌اند تا به شکل توصیفی، ارزش این فضیلت را در زندگی شخصی و اثر آن را بر رشد معنوی فرد مورد بحث و تبیین قرار دهند، و در این مسیر به نمونه‌ها و الگوهای بزرگی چون حضرت علی (علیه السلام)، نیز استناد جویند؛ بنابراین بررسی صبر از زاویه‌ی زیست اجتماعی و بیان مصادیق و آثار آن با این نگاه، مورد توجه واقع نشده است.

حال از آنجا که صبر و خویشتن‌داری افراد در شرایط و موقعیت‌های مختلف، بستگی مستقیم با آگاهی‌شان از تعریف صبر، ضرورت، مصادیق و جایگاه آن دارد، این تحقیق، در پی آن است تا با بهره‌گیری از روش اسنادی، پاسخ به این سوالات را که: «صبر اجتماعی به چه معناست؛ غرض از آن، و مصادیق آن بر پایه‌ی سیره و کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) چیست؟»، پی جویی نماید. لذا پس از تعریف و تبیین مفهوم صبر و نیز صبر اجتماعی، مصادیق صبر اجتماعی در اندیشه و سیره امام علی (علیه السلام) تبیین و بدین واسطه با الگوپردازی از شخصیتی که در قرآن کریم و بیان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان مصداق و نمونه بی‌بدیل صبر معرفی شده، تربیت افراد بر مبنای صبر اجتماعی امام علی (علیه السلام) و علی‌گونه شدن در زندگی اجتماعی، طلب می‌گردد.

۱- تعریف و تبیین مفهوم صبر و صبر اجتماعی

تعریف کلی واژه‌ی صبر که با مفهوم اصطلاحی آن نیز تفاوت چندانی ندارد، بدین شرح است:

«خویشتن‌داری در سختی و تنگی، شکیبایی و خودداری نفس بر آنچه که عقل و شرع حکم می‌کند و آن را می‌طلبد یا آنچه عقل و شرع، خودداری نفس از آن را اقتضا می‌کند» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۲، ص ۴۸۰ ش).

اما در باب اقسام صبر، با استناد به متون دینی می‌توان از دو گونه صبر سخن گفت: صبر فردی و صبر اجتماعی؛ که صبر فردی با نظر به کلام امام علی (علیه السلام) خود بر سه جزء است:

صبر بر طاعت، صبر بر معصیت و صبر بر مصیبت (کلینی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۹۱ ش).

اما پیش از تعریف و ورود به اقسام صبر اجتماعی، باید به استناد به دلائل نقلی و قرآنی، وجود این قسم از صبر را اثبات نمود.

اولین دلیل، آیه ۲۰۰ سوره آل عمران است که خداوند در این آیه خداوند می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَاصْبِرُوا

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و نسبت به یکدیگر صابر باشید.

امر «اصبروا» در این آیه، ناظر به صبر فردی، و لفظ «صابروا» از آنجا که از باب مفاعله بوده و این باب برای نشان دادن ارتباط طرفینی می‌باشد، طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۳۹۹ ش، ناظر به صبر جمعی و اجتماعی است.

دلیل قرآنی دیگری که ناظر به صبر اجتماعی است، آیه ۳ سوره عصر است که خداوند در آن جا می‌فرماید:

تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

شهید مطهری در بحث و تفسیری کوتاه، در رابطه با این آیه می‌آورد: «قرآن می‌گوید اهل ایمان وقتی به هم می‌رسند یکدیگر را توصیه می‌کنند: برادر! صبرت لبریز نشود، حوصله‌ات سر نیاید، مداومت داشته باش، مشکلات زیادی در پیش است... قرآن می‌خواهد بگوید ای انسان! فکر نکن می‌توانی گلیم خودت را به تنهایی از آب بیرون بیاوری؛ همیشه از این غرقاب که می‌خواهی نجات پیدا کنی دستت را به دست دیگران بده با یکدیگر تلاش کنید. تو یک موجود اجتماعی هستی نه موجود انفرادی...» ، مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۹۲ ش.

با نظر به صبر اجتماعی و صبر در ارتباطات طرفینی است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

مؤمنی که با مردم می‌آمیزد و بر آزار و اذیت آنان صبر می‌کند، برتر از مؤمنی است که با مردم

نمی‌آمیزد و آزار و اذیت آنان را تحمل نمی‌کند»، طبرسی، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۱۹۲ ش.

با همین نگاه حضرت به مردی که خواست برای عبادت به کوه رود فرمود: «اگر فردی از شما در نقطه ای از جامعه اسلامی آنچه را که برایش ناگوار است يك ساعت تحمل کند، بهتر است از این که چهل سال در خلوت شو تنهایی به عبادت پردازد»، سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۶۷ش.

امام علی (علیه السلام) نیز با نظر به ضرورت آراستگی به صبر در مراودات اجتماعی می‌فرماید: بردبار کسی است که برادران خود را تحمل کند. تمیمی آمدی، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۵ش، و در جای دیگری بیان داشته‌اند:

خود را در راه تحمل زحمات مردم به شکیبایی وادار. شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۴۷ش. ایشان ضرورت برخورداری از صبر در مراودات اجتماعی را در وصیت نامه خویش به محمد حنفیه نیز مدنظر قرار داده و فرموده‌اند:

از خودبینی و بداخلاقی و کم‌صبری بپرهیز، به حقیقت که با این سه خصلت مصاحب و یاری برای تو نخواهد ماند و به طور دائم مردم از تو کناره‌گیری خواهند کرد، شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۳ش.

براین اساس، با در نظر گرفتن مستندات قرآنی و روایی، از دیدگاه نویسندگان مقاله حاضر، می‌توان این تعریف را از صبر اجتماعی ارائه نمود: «گونه‌ای از فضیلت صبر است که، اختصاصاً در برخورد و تعامل انسان‌ها با یکدیگر رخ می‌نمایند؛ صبر اجتماعی، منش و مهارتی برخاسته از آگاهی و ممارست است که مراودات انسان با دیگران را بر طریقی درست هدایت کرده و تنظیم می‌کند، و جوامع انسانی را به تعالی می‌رساند».

۲- مصادیق صبر اجتماعی

با توجه به تعریفی که از صبر اجتماعی بیان شد، مصادیق این مفهوم در اندیشه، کلام و سیره امام علی (علیه السلام) را می‌توان تحت دو عنوان کلی مورد بحث و بررسی قرار داد: صبوری در تعاملات اجتماعی، صبوری در چالش‌های اجتماعی.

۲-۱- صبوری در تعاملات اجتماعی

بی‌شک سعادت انسان و جاودانگی هر جامعه‌ای در سایه اتفاق و اتحاد رقم می‌خورد و همه عقب‌ماندگی‌ها و جمود جامعه مولود تفرقه، اختلاف و عداوت افراد جامعه با یکدیگر است، جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف، ص ۳۵۳ش. بر این اساس است که خداوند متعال به صراحت مؤمنین را از ستیز و جدال در

جامعه ایمانی برحذر می‌دارد و انسان‌ها را به شکیبایی در برابر یکدیگر فرامی‌خواند:

وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. قرآن کریم ۸: ۴۶ ش.

بنابراین ضرورت تمسک به صبر در مراودات و ارتباطات اجتماعی هم برخاسته از بنیان‌ها و ادله‌ی عقلی و هم برخاسته از آموزه‌های دینی و دلایل نقلی است. با این وجود هدف از شکیبایی و صبوری انسان در برخورد با سایر هم‌نوعان، متناسب با تفاوت هریک از آن افراد و یا جریان‌ات اجتماعی، می‌تواند متمایز از یکدیگر باشد. پذیرش این نوع از تفاوت یعنی تفاوت در اهداف صبر، منتهی به تفاوت در راهبردها می‌گردد چرا که برای تحقق هر هدف باید از راهبردی متناسب با آن سخن گفت. پس می‌توان چنین عنوان داشت که صبوری در تعاملات اجتماعی نیز گونه‌ای از صبر اجتماعی و فضیلتی انسانی است که انصاف بدان در برابر افراد گوناگون و شرایط مختلف، براساس اهداف و راهبردهایی متناسب صورت می‌پذیرد.

حال اگر اهداف صبوری در مراودات اجتماعی و روش تحقق هر هدف را در قالب راهبردی خاص پی‌جویی کنیم، براساس سیره و کلام امام علی (علیه السلام)، می‌توانیم سه قسم از صبوری را نام ببریم که شامل صبوری مشفقانه، صبوری مصلحانه و صبوری مدبرانه می‌گردد.

۲-۱-۱- صبر مشفقانه

این نوع از صبر، شکیبایی و تحمل از سر لطف و شفقت و مهربانی است و زمانی کاربرد می‌یابد که انسان پذیرفته باشد خالق باری تعالی همه انسان‌ها را به یک شکل، و با استعداد و توان همسان نیافریده، و تفاوت‌های بین فردی می‌طلبد که افراد ضمن پذیرش نقص و ضعف یکدیگر، از سر شفقت و مهربانی در برابر هم به صبوری بپردازند. چنان‌که به عنوان نمونه، خداوند از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌خواهند که صبورانه با ضعفا و تهیدستان همدلی کرده و روی از ایشان برنگرداند، قرآن کریم ۱۸: ۲۸ ش.

صبر مشفقانه، به نحو دیگری در آیه‌ی ۲۰ سوره فرقان مورد اشاره قرار گرفته است؛ آن‌جا که خداوند می‌فرماید:

وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا.

در تفسیر این آیه عنوان شده است: «افراد از کار افتاده و ناتوان و بیمار و یتیم و دردمند، آزمونی هستند برای اقویا و افراد سالم و تندرست، و به عکس افراد تندرست و قوی، آزمونی هستند برای افراد ضعیف و ناتوان، آیا گروه دوم راضی به رضای خدا هستند؟ و آیا گروه اول وظیفه و تعهد انسانی خود را در برابر گروه دوم انجام می‌دهند یا نه؟ به دنبال این سخن، خداوند همگان را مورد

خطاب قرار داده و سؤال می‌کند: آیا صبر و شکیبائی پیشه می‌کنید؟ چرا که مهمترین رکن پیروزی در تمام این آزمایش‌ها صبر و استقامت و پایداری است»، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۱ ش..

بر این اساس و بصورت مختصر می‌توان گفت که صبر مشفقانه در برابر کسانی معنی می‌یابد که دچار ضعف جسمی، مالی، فکری، اخلاقی و... هستند. این بدین معنی است که کسی که از نظر جسمی قوی‌تر است، بر ضعف جسمی طرف مقابل خود صبر می‌کند و از خودبینی و تکروی می‌پرهیزد و او را یاری می‌کند. اگر غنای مالی دارد نه تنها به دنبال برتری جویی نمی‌رود، بلکه بر تنگدستی هم‌نوعان خویش صبر می‌کند و با عطا و بخشش و صدقه و هدیه ایشان را در جامعه حفظ کرده و رشد می‌دهد. کسی که توان فکری و عقلانی و هوش بالا دارد از آن فقط برای منافع شخصی بهره نمی‌برد و سایه‌ای این استعداد الهی را بر دیگران نیز می‌گسترده. پس بر این منوال، هر انسانی که در هر بعد و جنبه‌ای توانمندتر از سایرین است، بر ضعف و کاستی دیگران صبر می‌کند و از تکروی و خودمحوری و خودخواهی دوری می‌جوید تا بدین ترتیب آرامش و امنیت و دوستی و ترقی در جامعه پدیدار گردد.

از مصادیق صبر مشفقانه در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ماجرای تعامل امام با غلامشان، است: «روزی علی (علیه السلام) یکی از غلامان خود را صدا زدند، ولی غلام جوابی نداد، بار دوم و سوم هم او را صدا کردند، اما او جواب نداد. حضرت برخاستند و نزد او رفته و دیدند که استراحت می‌کند، به او فرمودند: آیا صدایم را نشنیدی؟ غلام پاسخ داد: شنیدم؛ حضرت فرمودند: پس چرا جواب مرا ندادی؟ غلام گفت: یا علی (علیه السلام) چون از عقوبت و توبیخ و تنبیه تو، خود را در امان می‌دیدم، از صبوری شما آگاه بودم،، لذا سهل‌انگاری کردم. حضرت در واکنش به گفتار غلام، فرمودند: تو را به خاطر خدا آزاد کردم»، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۸ ش.. همان‌گونه که هویداست در برابر این نوع از ضعف اخلاقی و عدم فرمانبری و حاضر جوابی غلام، امام صبر پیشه کرده و هم عمل غلط غلام را و هم آزادی را به او می‌بخشد.

امام علی (علیه السلام) با در نظر داشتن ضرورت این نوع از صبر، در بیانات مختلفی از مردم و یارانشان می‌خواهند تا با هم از سر شفقت و مهر رفتار کنند، لغزش‌ها و ضعف‌های یکدیگر را تحمل و جبران کنند، و حتی صبورانه بار هم را به دوش کشند و همدیگر را یاری کنند و از جدایی و کناره‌گیری پرهیزند:

«لغزش دوست خود را تحمل کن»، مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۹۹ ش..

«خودت را به انجام کارهای نیک و به دوش کشیدن بارهای مردم عادت ده»، تمیمی، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۳ ش..

این نوع از صبر زمانی معنی می‌یابد که فرد در برابر عده‌ای قرار می‌گیرد که به دنبال بهره‌کشی، دشمنی و آزار انسان هستند. در این شکل از صبوری، برخلاف مورد قبل، شفقت و لطف فرد نیست که او را به صبوری در برابر این عده وا می‌دارد، بلکه صبوری فرد، برخاسته از امید به اصلاح و تغییر رویکرد طرف مقابل است؛ بر این اساس است که خداوند می‌فرماید:

«وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ - وَمَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَاقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ»، (قرآن کریم ۴۱: ۳۴ و ۳۵ ش).

البته به لحاظ منطقی، صبوری در برابر این افراد و جریانات، تا زمانی معنی دارد که امید به تغییر در رفتار و رویکرد آنان وجود داشته باشد و یا کارها و فعالیت‌های آنان مخل آرامش، امنیت، وحدت، پیشرفت و... افراد و جوامع انسانی نباشد.

در بیانات و سیره امام علی (علیه السلام)، مصادیق صبر مصلحانه را در نوع مواجهه با اصحاب جمل، اصحاب صفین و خوارج، به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

امام علی (علیه السلام) در رابطه با صبوری خود در برابر ناکثین چنین می‌فرماید: «همانا اینان فراهمند، و از من و حکومت من ناخرسند. من شکیبایی می‌ورزم چندان که از پراکندگی جمعیت شما ترسم، چه، اگر آنان این رای سست را پیش برند، رشته کار مسلمانان از هم بگسلد.»، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹ ش.

به همین منظور یعنی اصلاح رویکرد ناکثین و برای جلوگیری از وقوع جنگ، امام بارها قاصدانی را به سوی سپاهیان جمل فرستاد. ذکر شده که امام دو نامه نیز به عایشه نوشتند؛ اما هیچ‌یک اثر نبخشید و پس از ناکام ماندن فرستادگان امام و تلاش‌های ایشان در هدایت ناکثین، آرایش جنگی امام صورت پذیرفت. با وجود این، پیش از آغاز جنگ، امام بارها سپاهیان دشمن را پند و اندرز داد و در پایان، سه روز بدان‌ها مهلت داد. بعد به تناوب دو شخص دیگر را با قرآن به سوی خیمه ناکثین روانه کرد که پاسخ آن‌ها تیر و کشتن آن دو نفر بود. در نهایت عمار یاسر را روانه برای اتمام حجت نمودند، ولی گفتگوهای او نیز با دشمن سودی نبخشید...، جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۱۰۲-۱۰۵ ش، و در نهایت امام ناگزیر با جنگ با این گروه شدند.

ماجرای معاویه و شامیان نیز، همواره یکی از بزرگترین مسائل پیش‌روی امام در دوران خلافت‌شان بود. فرازهایی از نهج البلاغه که دلالت بر صبر مصلحانه امام در برابر شامیان دارد چنین است: «همانا آماده شدن من برای نبرد با مردم شام، حالی که جریر، فرستاده امامش، نزد آنهاست، بستن در آشتی با شام است، و بازداشتن شامیان از خیر طاعت امام اگر راه آن جویند و طریق آشتی پویند... و رای من این

است که بردبار باشیم نه شتابان. پس با نرمی و مدارا دست به کار شوید، و ناخوش نمی دارم که آماده بیکار شوید.»، نهج البلاغه، خطبه ۴۳ ش..

در خطبه‌ای دیگر صبر برآمده از نیت اصلاح، از سوی امام در ارتباط با اصحاب صفین، این‌گونه مورد اشاره قرار می‌گیرد: «به خدا که يك روز جنگ را واپس نیفکنده ام، جز که امید داشتم گروهی به سوی من آیند، و به راه حق گرایند، و به نور هدایت من راه پیمایند»، نهج البلاغه، خطبه ۵۵ ش..

چنین عنوان شده که تا شروع جنگ صفین، نامه‌های بسیاری میان امام و معاویه رد و بدل شد و شاید شمار آن‌ها به سی نامه برسد، جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۱۶۱ ش.. حتی در میدان و پیش از آغاز نبرد نیز به پیشنهاد برخی از اصحاب، امام نامه‌ای به معاویه و همراهان او نوشت و آنان را به حفظ خون مسلمانان توصیه کرد ولی معاویه در پاسخ آن شعری نوشت و بر جنگ اصرار کرد، جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۱۶۹ ش.. این غائله نیز با وجود درنگ قابل تأمل و صبوری مصلحانه امام، به جنگ صفین ختم شد.

اما گروه سوم، خوارج بودند، که در شمول یاران امام بوده و رفته رفته از ایشان فاصله گرفتند و در نهایت با وجود صبوری‌های امام، از ایشان جدا شده و به جنگ با حضرت پرداختند. «امام علی (علیه السلام) تلاش فراوانی کرد تا شاید بتواند خوارج را بر پذیرش حق قانع سازد و آنان را از ایجاد اختلاف و تفرقه در میان مسلمانان باز دارد. ایشان خطبه‌های فراوانی در این خصوص ایراد نمود و بارها خوارج را به طرق مختلف اندرز داد و پیامدهای شوم اقدامات‌شان را برایشان تبیین کردند. اما خوارج نه تنها از اندیشه منحرف خویش بازنگشتند، بلکه شماری از مسلمان را کشتند و به اسارت گرفتند. آن‌ها در راه‌ها، جلوی مردم را می‌بستند و اموال و دارایی هایشان را به غارت می بردند. این کج‌اندیشان به این اعمال ادامه دادند تا به نهروان رسیدند و در مقابل امام قرار گرفتند. در چنین شرایطی حضرت چندین روز دیگر هم خویشتن‌داری فرمود و آنان را به راه حق فراخواند و با ایشان احتجاج نمود اما در مقابل از خوارج پاسخ مثبتی نشنید، بلکه خوارج کمر به جنگ بستند و آغازگر جنگ شدند. علی (علیه السلام)، به ناچار با آنان جنگید و تقریباً تمام آنان را کشت.»، جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۲۴۵ ش..

۲- ۱- ۳- صبر مدبرانه

صبر مدبرانه، نه نشأت گرفته از شفقت و مهر است و نه برخاسته از امید به اصلاح. این نوع از صبر زمانی است که فرد با تدبیر و هوشمندی، در برابر حق‌کشی‌ها و آزارهایی که عده‌ای آگاهانه و غرض ورزانه و بخاطر منافع و مطامع شخصی و گروهی، بر او و یا حتی بر نزدیکانی که فرد با آنها دارای پیوند

عاطفی است وارد می‌کنند، صبوری می‌ورزد و حتی در این راه مصالح خویش اعم از حق، آبرو، مال را برای مصلحتی بالاتر که جمع و اجتماعی از انسان‌ها را متأثر می‌سازد، فدا می‌کند.

در واقع، تقید به ملکه اخلاقی صبر در چنین حالتی موجب حفظ وحدت و رادع شعله‌ور گشتن آتش اختلاف است. آتشی که شاید بدترین عذاب برای جامعه انسانی و مراودات اجتماعی باشد و پیامدهای شوم درونی و بیرونی ملازم همیشگی آن است. پیامد درونی بروز جنگ و درگیری بین افراد جامعه، قرار گرفتن سرمایه مادی و معنوی ایشان در معرض هلاک و نابودی و از بین رفتن داشته‌های ارزشمندی است که ای بسا جبران ناپذیر باشد؛ چنانکه قرآن کریم نیز در تعبیری زیبا، نتیجه نزاع و کم‌تحملی در برابر یکدیگر به گودالی از آتش تشبیه می‌شود که بواسطه آن تمام داشته‌ها و هستی افراد و جوامع انسانی نابود می‌شود:

«وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا»، قرآن کریم ۳: ۱۰۳ ش.

پیامد بیرونی اختلاف و تفرقه هم، از دست رفتن قدرتی است که در اجتماعات انسانی بواسطه با هم بودن و در کنار هم بودن وجود دارد.

مهمترین جلوه این نوع از صبر در زندگی امام علی (علیه السلام) در ماجرای غصب خلافت و مواجهه ایشان با خلفای سه گانه است. در فرازهایی از نهج البلاغه در رابطه با این موضوع و از زبان مبارک ایشان چنین آمده است: «دامن از خلافت در چیدم، و پهلو از آن پیچیدم، و ژرف بیندیشیدم که چه باید، و از این دو کدام شاید؟ با دست تنها بستیزم یا صبر پیش گیرم و از ستیز بپرهیزم؟ که جهانی تیره است و بلا بر همگان چیره بلایی که پیران در آن فرسوده شوند و خردسالان پیر، و دیندار تا دیدار پروردگار در چنگال رنج اسیر. چون نیک سنجیدم، شکیبایی را خردمندانه تردیدم، و به صبر گراییدم»، نهج البلاغه، خطبه ۳ش، در جای دیگری نیز می‌فرمایند: «همانا می‌دانید! که سزاوارتر از دیگران به خلافت منم. به خدا سوگند، بدان چه کردید گردن می‌نهم، باشد که مرزهای مسلمانان ایمن بود و کسی را جز من ستمی نرسد»، نهج البلاغه، خطبه ۷۴ش،.

امام علی (علیه السلام) در برابر غصب خلافت و دشمنی آگاهانه غاصبان به صبوری پرداختند و مصالح شخصی را فدای مصلحت بالاتر یعنی وحدت و امنیت مسلمین نمودند و ۲۵ سال را در صبری مدبرانه اما دشوار سپری کردند: «ما را حقی است اگر به ما بدهند فیها و الا در عقب شتر سوار خواهیم شد هرچند زمانی طولانی بدین حال سپری شود»، نهج البلاغه، حکمت ۲۲ش،. جمله حاضر را به این صورت نیز می‌توان تفسیر کرد که سوار بر قسمت انتهایی حیوان غالباً با مشقت و ضرر همراه است. هم خود از نبود جای

هموار آزار می‌بیند و هم حیوان او را چیزی اضافی می‌شمارد. برپایه‌ی این تفسیر، حضرت صبر خود را توأم با مشقت و زحمت بیان کرده است، غضنفری، ۱۳۹۳، صص ۵۶-۵۷ ش.

اگرچه صبر در برابر دیگران دارای ابعاد مهمی است که شرح آن گذشت، اما تمام صبر اجتماعی در صبر برابر دیگران خلاصه نمی‌گردد. در هر اجتماعی اهدافی منظور نظر قرار می‌گیرد که تحقق آن‌ها نیازمند بکارگیری عنصر صبر است و یا ممکن است مسائل و چالش‌هایی در مسیر حرکت اجتماع پیش آید که جز با صبوری امکان حل و از پیش رو برداشتن آن‌ها میسر نیست. با این توضیح مقوله دیگری از صبر اجتماعی، تحت عنوان صبوری در چالش‌های اجتماعی، در ادامه تبیین خواهد شد.

۲-۲- صبوری در چالش‌های اجتماعی

بیشتر افراد برای جامعه خویش افکار بزرگی در سر می‌پروراند و پیشرفت مادی و معنوی آن‌را می‌طلبند؛ چرا که این اعتقاد را به درستی دریافته‌اند که شرایط و موقعیت جامعه‌شان بر زندگی آنان نیز تاثیرگذار است.

به هر حال، پیگیری اهداف مادی و معنوی برای اجتماع، با فراز و فرودهایی همراه است و این مسیر، مسیری سهل و هموار نیست. در این راه مسائل و مشکلاتی بروز و ظهور می‌یابد که یگانه گره‌گشای آن صبر است؛ یعنی اگر افراد در برابر این مسائل صبوری به خرج ندهند، کارها به سامان نمی‌رسد و اوضاع در جهت مثبت تغییر نکرده، و بهبود نمی‌یابد. همانگونه که در قرآن کریم از قوم بنی اسرائیل سخن به میان می‌آید؛ قومی که برای تحقق هدف معنوی خود یعنی کسب عزت، آزادگی و... بر سختی رویارویی با فرعونیان شکیب ورزید و در نهایت هدف خود را محقق ساخت، قرآن کریم ۷: ۱۳۷ ش.

آیت الله جوادی آملی ضمن تاکید بر فضیلت صبر، درباره لزوم صبر در مسائل و چالش‌های اجتماعی معتقد است: «جامعه‌ای که افراد رفت و شکوفایی‌شان به آنان مدد می‌رساند:

بَلِي إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا يَا أُولَئِكَ مِنْ قَوْمٍ هَذَا يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ۱

جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف، ص ۳۷۳ ش.

از این رو، افراد موظف‌اند در رویارویی با مسائل اجتماع شکیب ورزند، تا شاهد پیشرفت جامعه خود در جنبه‌های معنوی و مادی باشند و به واسطه صبوری‌شان عزت، رفاه، پیشرفت و... را دریابند. برای این

۱. قرآن کریم ۴: ۲۵

نوع از صبر یعنی صبوری در چالش‌های اجتماعی براساس کلام و سیره امام علی (علیه السلام) می‌توان مصادیقی ذکر کرد که به روشن شدن بیشتر موضوع بینجامد؛ این مصادیق در ادامه می‌آیند.

۲-۲-۱- صبر در برابر دشواری اقدامات اجتماعی

هر تکلیفی که برای انسان مقرر می‌شود، محدودیت‌ها و سختی‌هایی را برای انسان به ارمغان می‌آورد. تکالیف اجتماعی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. هر چند که قاعدتا وظایف اجتماعی تمام انسان‌ها یکسان نیست و بین رهبر و مدیر و مردم عادی تفاوت‌هایی وجود دارد اما آنچه مورد توصیه است صبر در برابر این دشواری‌هاست. در همین راستا امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «به کار برخیزید. پس به پایان رسانید! به پایان رسانید! و پایدار مانید! پایدار مانید! پس شکیبایی! شکیبایی! پس پارسایی»، نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ ش.

نمونه قرآنی این نوع از صبوری را در آیه ۶۲ سوره نور شاهد هستیم:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَم يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ».

« این آیه در داستان جنگ خندق نازل گردید، در آن هنگام که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با مسلمانان مشغول کردن خندق بودند، گروهی از منافقین به ظاهر در صف آن‌ها بودند، ولی کمتر کار انجام می‌دادند و بدون اجازه از پیامبر (صلی الله علیه و آله) آهسته به خانه‌های خود می‌آمدند. اما هنگامی که مسلمانان راستین مشکلی پیدا می‌کردند، نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده اجازه می‌خواستند و به محض این که کار خود را انجام می‌دادند باز می‌گشتند و به حفر خندق ادامه می‌دادند، تا از این کار مهم عقب نمانند، آیه فوق گروه اول را مذمت و گروه دوم را ستایش می‌کند. ، مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۶۲ ش،

همان‌گونه که هویداست در ماجرای حفر خندق عده‌ای از افراد بر دشواری این امر مهم صبر نمی‌کردند و از زیر کار شانه خالی می‌کردند، اما مؤمنان واقعی که آراسته به فضیلت صبر بودند در انجام این فعالیت و کار اجتماعی مهم، با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنین دیگر همکاری کرده و فقط برای امور ضروری و با اذن پیامبر (صلی الله علیه و آله) مسئولیت خویش را ترک می‌کردند.

نمود بارز این نوع از صبر در سیره امام علی (علیه السلام) نیز زمانی است که حضرت به خلافت رسیدند؛ جامعه مسلمین در آن دوران با مشکلات و چالش‌های عدیده‌ای روبرو بود که اداره و راهبری آن‌را برای خلیفه مسلمین امری سخت و دشوار می‌نمود. از این روست که حضرت در یکی از نخستین خطبه‌های

خود بعد از خلافت، جامعه خویش را مانند جامعه‌ای دانست که پیامبر (ص) در آن برانگیخته شده بود.^۱ با این وجود، حضرت در برابر مشکلات موجود تسلیم نگردید و با در پیش گرفتن منش صبوری، همت خویش را معطوف به اصلاح امور و بازگرداندن جامعه به مسیر اصلی خود یعنی احیای جامعه نبوی، کرد. اگرچه باید در نظر داشت که حضرت در طول ۲۵ سال قبل از خلافت نیز برای اصلاح امور و جلوگیری از انحراف جامعه از هیچ تلاشی دریغ ننمود و کوشید برابر کژروی‌ها بایستد و با آن‌ها بستیزد، جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۳۱۲-۳۱۴ ش، اما بار مسئولیت یک ناصح امین و فشار ناشی از آن با پذیرش خلافت مضاعف گشت، که بی تردید صبر مثال زدنی امیرالمؤمنین (علیه السلام) طی این مسیر سخت و انجام کار دشوار اداره جامعه را بر ایشان هموار نمود.

در کلام و بیان امام (علیه السلام) نیز می‌توان باور به این نوع از صبوری را مشاهده کرد؛ حضرت علل سقوط جوامع، در سستی و عدم صبر و استقامت بر دشواری کار دانسته و در توصیف افراد جوامع رو به سقوط می‌فرمایند: «نادان شما در کار فزاید آنچه نشاید، و دانیانتان واپس افکند آن‌را که کنون باید»، نهج البلاغه، حکمت ۲۸۳ ش..

در تعبیر دیگری ایشان می‌فرمایند: «نقش صبر در کارها همانند نقش سر در بدن است؛ همچنان که اگر سر از بدن جدا شود، بدن از بین می‌رود، صبر نیز هرگاه همراه کارها نباشد، کارها تباه می‌گردند»، کلینی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۹۰ ش.. در جایی دیگر ایشان صبر را مانع از هم گسیختگی امور می‌داند و می‌فرمایند: «هر گاه آدمی در کارها صبر نداشته باشد همه کارها از هم گسیخته می‌گردد»، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۵۱۹ ش..

براین اساس، باید گفت که اگر در برابر دشواری کار و اقدام در راه رسیدن به اهداف اجتماعی، صبوری پیشه اعضای جامعه قرار نگیرد، و دشواری کارها افراد را به بی‌تابی، اعتراض و... بکشاند، اهداف محقق نمی‌گردد و جامعه از حرکت در جهت پیشرفت و تعالی باز می‌ماند و از بین رفتن سرمایه و عمر افراد در چنین حالتی دور از انتظار نخواهد بود.

۲-۲-۲- صبر در راه دستیابی به اهداف دور و بلندمدت

اهداف بلند اجتماعی با صبر و استقامت است که قابلیت تحقق خواهند یافت. در این رابطه سیره نوح

۱. بدانید که پس از هجرت، دوباره چونان اعراب بادیه نشین شده اید، و پس از وحدت و برادری به احزاب گوناگون تبدیل گشته اید، از اسلام تنها نام آن، و از ایمان جز نشانی را نمی‌شناسید... (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

پیامبر قابل توجه است:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا»، قرآن کریم ۲۹: ۱۴.

حضرت نوح بیش از نهصد و پنجاه سال در بین مردم ماند و به هدایت آنها پرداخت؛ قومش او را زجر می‌دادند و باز می‌داشتند؛ اما او خسته نشد و صبر و تحمل کرد، جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۲۶۲ ش؛ تا عاقبت توانست عده‌ای را با خود همراه سازد و هدف اجتماعی خود را که تربیت افراد موحد و برپایی جامعه‌ای توحیدی بود، تحقق بخشد.

این نوع از صبوری در سیره امام، صبر ۲۵ ساله ایشان پس از رحلت پیامبر ﷺ، متجلی گردیده است؛ «ایشان در حالی که نابسامانی‌های نظام حاکم را مشاهده می‌کند، در تصمیم‌گیری‌ها و مشاوره به خلفا مشارکت می‌کند. خود را همراه و همراز خلفا نشان می‌دهد و حتی در نماز جمعه و جماعات دیگران شرکت می‌کند»، احمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵ ش. و برای تحقق اهداف خود یعنی اعتلا و اصلاح جامعه اسلامی، صبورانه از هیچ گام کوچک و بزرگی فروگذار نمی‌کند تا شاید روزی با این صبر فعالانه شرایط دگرگون شده و جامعه به ریل اصلی خود باز گردد و نهال کوچکی که پیامبر ﷺ و یارانش با مشقت و صبوری غرس کرده‌اند، به ثمر بنشیند و خشک و بی‌بار نگردد.

اهداف دور و بلندمدت، شاید برخی را به این باور برساند که این اهداف دست نیافتنی و غیر واقعی‌اند و این امر سبب شود ایشان صبر خود را از دست داده و اهداف خویش را دنبال و پی‌جویی نکنند و توانایی خود و مهم‌تر از آن لطف الهی را از یاد ببرند؛ در این صورت این افراد به آن جایگاه و پیشرفتی که شایسته آن‌هاست نرسیده و به عبارتی تمام امکانات بالقوه خود را بالفعل نمی‌سازند. در حالی که اگر انسان‌ها صبر را پیشه خود سازند و ناامید نشده و سستی نوززند و دیگران را نیز به امید فراخوانند، به گفته امام علی (علیه السلام) قطعاً در تحقق اهدافشان موفق خواهند بود: «شکیبا پیروزی را از کف ندهد اگر چه روزگاری بر او بگذرد»، نهج البلاغه، حکمت ۱۵۳ ش؛ و در جای دیگری می‌فرمایند: «با صبر، انتظار گشایش می‌رود و کسی که پیوسته دری را بکوبد، آن در به رویش باز می‌شود»، مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۹۶ ش. همچنین حضرت علو درجات را در پرتو صبر محقق می‌داند؛ گو اینکه اگر صبر وجود نداشته باشد رسیدن به اهداف عالی ممکن نخواهد بود: «با صبر به مقامات بلند می‌توان رسید»، تمیمی، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۹ ش.

۲-۲-۳- صبر در برابر مشکلات و محرومیت‌های اجتماع

کمبودها و مشکلات همزاد جوامع بوده و امر الهی به صبوری در برابر این سختی هاست. «نیکی، تنه‌اش، این نیست که، به هنگام نماز، روی خود را به سوی مشرق و، یا مغرب کنید، بلکه نیکی، و نیکوکارش، کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب، آسمانیش، و پیامبران، ایمان آورده... و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می دهند، اینها کسانی هستند که راست می گویند و، گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ استش، و اینها هستند پرهیزکاران»، قرآن کریم ۲: ۱۷۷ش.

حضرت باری تعالی در این آیه صفات نیکوکاران را بر می شمارند که یکی از آن صفات، صابر بودن آن هاست؛ و می فرماید کسانی صابرند که در «بأساء و ضراء و حین البأس» به صبوری بپردازند. در تفسیر این سه واژه آمده است: «البأساء از بؤس به معنای فقر و سختی است که از خارج به انسان تحمیل می شود؛ الضراء، درد و بیماری است که از درون به انسان فشار می آورد؛ و حین البأس زمان جنگ و جهاد است»، قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۷۰ش. بر این اساس معبود متعال امر به صبر می کند در شرایطی که انسان به درد و گرفتاری دچار است، در شرایطی که سختی از بیرون به او فشار می آورد و در هنگامه ای که مبتلای به جنگ است.

و در آیه ای دیگر به ایشان وعده بهشت می دهد:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا يُجْرُونَ مِنْ حَتَّىٰ الْأَنْهَارِ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ؛ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، قرآن کریم ۲۹: ۵۸-۵۹ش.

در تفسیر این آیه آمده است: «مؤمنان کسانی هستند که در برابر مشکلات صبر و استقامت به خرج می دهند و بر پروردگارشان توکل می کنند؛ از زن و فرزند و دوستان و بستگان خود جدا می شوند و صبر می کنند. مرارتها و سختیها و آزار دشمنان را می چشند و شکیبها هستند ... صبر عامل استقامت در برابر موانع و مشکلات است و توکل انگیزه حرکت»، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ص ۳۳۱ش.

در سیره امام علی (علیه السلام)، از بارزترین مصادیق صبوری در برابر کمبودها، در شعب ایطالب رخ می نماید؛ ایشان هم بر کاستیهای ناشی از تحریمهای رخ داده بر جامعه ی کوچک مسلمانان، صبر می کنند و هم برای کاستن از این کاستیها و کمبودها تلاش می کنند. در این زمینه آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «پدر تو ابوطالب مورد احترام مردم مکه بود، بلند شو با پای برهنه، مبدا صدای پای تو بلند شود و یکی از مشرکین بیدار شود، در خانه دوستان بابایت را بزن و از آنها نان یا خرمایی بخر و بیاور، هزار شبانه روز امیرالمؤمنین (علیه السلام) کیسه به دوشش بود و در مکه نان و خرما می خرید و به شعب

می‌برد و برمی‌گشت. ملائکه عالم، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در سن چهارده یا پانزده سالگی تا سه سال نگاه می‌کردند و حسرت يك آه گفتن علی (علیه السلام) در دل تمام ملائکه عالم ماند. صبر علی (علیه السلام) در این ماجرا، الهی بود»، انصاریان، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۱۱ ش.. ایشان در دوره حکومت خود نیز همانند فقیرترین افراد زندگی می‌کرد و با قناعت و صبر، به مسلمانان درس ایمان و پایداری می‌داد، پژوهش‌کده تحقیقات اسلامی، بی تا، ص ۱۵۲ ش..

ایشان در جنگ نیز استوار و صبور بودند، چنان‌که خود در رابطه با این مسئله در خطبه‌ای می‌فرمایند: «ما در میدان کارزار با رسول خدا ﷺ بودیم... {این مبارزه} ما را ناخوش نمی‌نمود بلکه بر ایمانمان می‌افزود، که در راه راست پابرجا بودیم، و در سختی‌ها شکیبنا، و در جهاد با دشمن کوشا»، نهج البلاغه، خطبه ۵۶ ش..

این گونه از صبوری کردن از سوی افراد جامعه و در برابر مشکلات و محرومیت‌های تحمیلی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ اگر اعضای جامعه در جنگ‌های نظامی و کمبودهای اقتصادی صبوری به خرج ندهند، باید تعالی و رشد جامعه‌شان را نادیده گرفته، انتظار روزها و شرایط بدتر را نیز داشته باشند.

۲-۲-۴- صبر در برابر دسیسه‌ها و فشارهای روانی

از آنجا که هیچ جامعه‌ای بی‌رقیب و دشمن نیست، پس دسیسه و نیرنگ نیز در کمین جوامع است. حال در پیش گرفتن صبر، راهبردی مهم است که در اوامر خالق یکتا، در برابر این دسیسه‌ها توصیه گشته:

«وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَاتَّقُوا لَإِيَّائِكُمْ كَيْدُ هُمُ شَيْئًا»، قرآن کریم ۳: ۱۲۰ ش..

در آیه دیگری نیز خداوند خطاب به پیامبر اکرم ﷺ همین توصیه را دارد:

«وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ»، قرآن کریم ۱۶:

۱۲۷ ش..

بر مبنای این آیه شریفه، توطئه‌های دشمن هر قدر وسیع و حساب شده و خطرناک باشد نباید مؤمنین را از میدان بیرون کند، چرا که تکیه گاه آنها خداست و مؤمنان با استمداد از نیروی ایمان و استقامت و پشتکار و درایت می‌توانند این توطئه‌ها را خنثی و نقش بر آب کنند»، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۶۰ ش..

حضرت علی (علیه السلام) نیز در دوران ولایت و حکمرانی، با دسیسه‌ها و فشارهای بسیاری روبرو شد که

بخش عمده آن از جانب معاویه بود. یکی از برجسته‌ترین این توطئه‌ها، قرآن بر نیزه کردن، برای فریفتن یاران امام بود. امام در سخنانی به لشکر فریب خورده و بی‌شکیب خود فرمود: آن‌ها قرآن را بالا نبردند بدین جهت که آن را می‌شناسند و به آن عمل می‌کنند، بلکه آن کار فریب و نیزنگ است. اگر بازوها و مغزهایتان را ساعتی به من عاریت دهید، حق پیروز می‌شود و چیزی نمانده که دنباله ستمگران بریده شود، ابن مزاحم، ۱۴۰۴، ص ۸۹۴ ش. اما بیست هزار مسلح شمشیر به دست امیرالمؤمنین (علیه السلام) را خطاب قرار دادند و گفتند حالا که به کتاب خدا فراخوانده شده‌ای آن را اجابت کن و گرنه تو را می‌کشیم... از سویی اشتر به اردوگاه معاویه وارد شده بود که امام به اشتر پیغام داد که جنگ را رها کند و نزد او بیاید. اشتر گفت به علی (علیه السلام) بگویند لحظه ای به من فرصت دهد اما با اصرار آن جماعت نادان آنچه نباید می‌شد، شد...»، سید علوی، ۱۳۹۰، ص ۳۰۶ ش. اگر لشگریان بر خواست امیرالمؤمنین (علیه السلام) و مالک اشتر درنگ می‌کردند و در برابر جنگ روانی صیوری به خرج می‌دادند، غائله معاویه در آن جنگ پایان می‌یافت و مصائبی که بر امام علی و فرزندانش (علیه السلام) وارد شد، هرگز پیش آمد نمی‌کرد.

دسیسه دیگری که معاویه بکار برد، ادعای برادری با زیاد بن ابیه، به قصد فریب او بود. امام (علیه السلام) پس از کسب اطلاع از توطئه، به زیاد نامه‌ای نوشت و او را به درنگ و صیوری برابر این توطئه فراخواند: «دانستم معاویه نامه‌ای به تو نوشته می‌خواهد خردت را بلغزاند، و عزمت را سست گرداند. از او بنرس که شیطان است. نزد آدمی می‌آید و از پیش رو و پشت سر، و راست و چپ او درآید، تا به هنگام غفلت وی، بر او بتازد و خردش را تاراج سازد. در روزگار عمر، ابوسفیان از آنچه در خاطر داشت سخنی گفت که خطای زبان بود و وسوسه شیطان. نه نسبی بدان درست شود و نه میراثی را سزاوار بود. آن که بدان نسب آویخته، چون کسی است که به جمع می‌خواران هجوم آرد تا با آنان باده گسارد، او را از خود ندانند و از جمع خویش برانند، یا چون آوندی به دنبال پالان بسته که پیوسته جنبد و از این سو بدان سو جهد، چون زیاد این نامه را خواند گفت: سوگند به پروردگار کعبه که بدان گواهی داد، و پیوسته این داستان در خاطر او بود تا معاویه وی را برادر خود خواند. ش.»، نهج البلاغه، نامه ۴۴ ش..

دسیسه و ایجاد فشار روانی بر جامعه مسلمین و امام (علیه السلام) و یارانشان، به همین موارد محدود نماند، معاویه به جعل و تحریف احادیث، ایجاد شایعه‌های عجیب چون تارک الصلاة بودن و دست داشتن امام (علیه السلام) در قتل عثمان و ایجاد فرهنگ سب بر منابر و ... پرداخت و بدین واسطه بسیاری از مردمان جاهل، سست عنصر و ضعیف را با خود همراه ساخت و ضمن تحکیم پایه‌های حکومت خویش، زمینه ستاندن حکومت از امامان معصوم (علیهم السلام) و شهادت ایشان را مهیا ساخت.

در نهایت که امام مجبور به جنگ می‌شود، با نظر به همین حيله‌گری‌های عمروعاصیان است که یارانش را به داشتن صبر و بصیرت در این نبرد فرا می‌خواند:

« وَقَدْ فَتِحَ بَابُ الْحَرْبِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ أَهْلِ الْقَيْلَةِ، وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَمَلُ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ... »

نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳ ش..

تلاش دشمن و دسیسه‌چینی او همیشه در این جهت است که بر حریف غلبه کند و حکومت و جامعه مقابل خویش را در ضعف و رکود نگاه دارد؛ بدین منظور به حرب‌های مختلفی چون کارشکنی، تبلیغات منفی و دلسرد کردن اعضای جامعه و... متوسل می‌شود و در کنار مقابله و جنگ سخت، از دسیسه و توطئه‌هایی که طرح‌ریزی کرده سود می‌برد. اما امر الهی به حکام و امت اسلامی صبوری در برابر تمام این دشواری‌ها و مصائبی است که قوه‌ی عقل و عاطفه و اعتقادات افراد را نشانه می‌رود:

« فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ »، قرآن کریم ۷۳: ۱۰ ش..

توصیه به صبر و بردباری، قاعدتاً براین منطق استوار است که هدف دشمن که همان سست نمودن منطق و اعتقادات و به بی‌تفاوتی کشاندن ملت است، محقق نگردد؛ افراد و جوامع از حرکت باز نایستند و با صبر و پایداری خود، دشمن را به ناکامی بکشانند. در این رابطه امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «هر کس در مقابل دشمن بردبار باشد بر او پیروز می‌شود»، کراچی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۷ ش..

حال براساس آن چه گذشت، باید اذعان داشت که اگر افراد جامعه در برابری دشواری فعالیت در اجتماع، دوری اهداف اجتماعی، کمبودها و مشکلات و دسیسه‌ها و فشارهای روانی دشمن ایستادگی نکرده، به صبوری نپردازند باید انتظار رکود، عقب افتادگی و دور شدن از اهداف را داشته و پیشرفت و تعالی جامعه و خودشان را به فراموشی سپارند و خویشتن را آماده سازند تا در برابر مشکلات ناشی از فقر، تحقیر، شکست و عقب ماندگی لب فروبسته و طاقت بیاورند.

نتیجه گیری

خالق باری تعالی در تصویر وجودی انسان، زندگی و معاش اجتماعی او را دیده و تعبیه نموده است، قرآن کریم ۴۹: ۱۳ ش.. این بدین معنی است که انسان بدون یاری هموعانش در این جهان، نه یارای حفظ خویشتن و زندگی بهینه را دارد، نه توان رشد و کمال مادی و معنوی را؛ براین اساس زندگی در جمع و اجتماعات برای فرد انسان‌ها گریز ناپذیر و ضرورتی برخاسته از نوع خلقت آن‌ها است. هر چند که انسان مدنی بالطبع است، اما این بدان معنی نیست که انسان برای زندگی در اجتماع به

صورت تربیت شده و کاملاً آماده، خلق و برانگیخته می‌شود؛ چرا که اگر این گونه بود این تفاوت‌ها در درجه‌ی مسئولیت‌پذیری نسبت به هم‌نوعان و جوامع انسانی وجود نمی‌داشت و این همه اختلافات و نزاع نیز دیده نمی‌شد. براین اساس زندگی بهینه و حضور موثر در اجتماع منوط به آراستگی نوع انسان، به انواع فضایل و مهارت‌ها و بصیرت‌ها است که قاعدتاً از مسیر فرهنگ‌سازی پایدار و تعلیم و تربیت پویا قابل حصول و دستیابی است.

یکی از این مهارت‌ها و فضایل که ارتباط مستقیم با نحوه‌ی مواجهه و همکاری انسان‌ها با یکدیگر دارد، صبر است؛ فضیلتی که تمسک بدان ضمن پیشگیری از بسیاری از اختلافات و جدایی‌ها، سبب همدلی‌ها و انسجام اجتماعی و رشد و تعالی جامعه می‌گردد.

حال از آنجا که این مقوله مهم مورد تأکید آموزه‌های اسلامی و پیشوایان دین بوده، تحقیق حاضر با هدف تبیین مفهوم صبر اجتماعی، ترسیم و تشریح ابعاد و اقسام آن در سیره و کلام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، به انجام رسید.

با تتبع صورت گرفته در میان منابع موجود، تعریفی که می‌توان از صبر اجتماعی ارائه نمود چنین است: «گونه‌ای از فضیلت صبر است که، اختصاصاً در برخورد با انسان‌های دیگر و در جامعه‌ی انسانی رخ می‌نماید؛ صبر اجتماعی، منش و مهارتی برخاسته از آگاهی و ممارست است که مراودات انسان با دیگران را بر طریقی درست هدایت کرده و تنظیم می‌کند، و جوامع انسانی را به تعالی می‌رساند».

با در نظر داشتن این تعریف و استنباطی که از صبر اجتماعی براساس آیات قرآن و کلام حضرت علی (علیه السلام)، صورت پذیرفت، پی‌جویی اقسام و ابعاد صبر اجتماعی در سیره و کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) مورد توجه واقع شد؛ که در نهایت یافته‌ها در قالب دو عنوان کلی "صبوری در تعاملات اجتماعی" و "صبوری در چالش‌های اجتماعی" مورد اشاره و تجمیع قرار گرفت. صبوری در تعاملات اجتماعی مواردی از کلام و سیره را مورد اشاره قرار می‌داد که مستقیماً با ارتباطات جمعی و بین فردی امام مرتبط می‌شد. از آنجا که جوامع انسانی متشکل از جریان‌های مختلف اجتماعی است و افراد آن از خوی و منش یکسان برخوردار نیستند، طبیعی است مواجهه با افراد و هدف از اتصاف به خصلت صبر و راهبردهای در پیش گرفته در برابر ایشان متناسب با تفاوت مذکور باشد؛ از این‌رو برای عنوان کلی صبوری در تعاملات اجتماعی، سه زیرعنوان صبر مشفقانه، صبر مصلحانه و صبر مدبرانه در نظر گرفته شد و سیره و کلام امام (علیه السلام) بدین ترتیب مورد تبیین قرار گرفت.

اما از آنجا که تمام صبر در صبر برابر افراد خلاصه نمی‌شود و در جوامع انسانی دائماً چالش‌ها و

مسائل مختلفی در جریان و ظهور است، در پژوهش حاضر به دسته‌ی کلی دیگری با عنوان صبوری در چالش‌های اجتماعی نیز پرداخته شد که این عنوان کلی براساس گفتار و کردار امیرالمؤمنین (علیه السلام) مباحث و عناوینی چون: صبر در برابر دشواری اقدامات اجتماعی، صبر در راه دستیابی به اهداف دور و بلند مدت، صبر در برابر مشکلات و محرومیت‌های اجتماع، صبر در برابر دسیسه‌ها و فشارهای روانی را در بر گرفت.

با تعریف ارائه شده در این تحقیق از صبر اجتماعی و الگوی ترسیمی، در صورتی که راهبردهای صحیح از سوی سیاستگذاران اجتماعی برای آشنایی و اتصاف افراد جامعه به اقسام برشمرده شده از صبراجتماعی، در پیش گرفته شود، می‌توان انتظار داشت مراودات انسانی در مسیر صحیح خویش قرار گرفته، زمینه رشد و جبران ضعف افراد فراهم آمده، میزان تاب‌آوری اعضای جامعه نسبت به چالش‌ها و مشکلات بالا رفته و در یک کلام مسیر رشد و تعالی جامعه هموارتر گردد.

در همین راستا رجاء واثق هست که پژوهشگران و دغدغه‌مندان حوزه علوم رفتاری و اجتماعی، در جهت مطالبه و عملیاتی نمودن راهبردهای فرهنگ سازی و تحقق هدف اتصاف افراد جامعه به این فضیلت ارزشمند ورود مجدانه داشته باشند؛ فضیلتی که بی تردید با توجه به شرایط امروز جامعه ایران، ضرورت و نیاز به آن بیش از پیش احساس می‌گردد.



منابع:

قرآن کریم

- نهج البلاغه، ۱۳۷۸، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱. ابن بابویه، شیخ صدوق، محمدبن علی، ۱۳۸۲ش، *الخصال*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
 ۲. احمدی، حبیب الله، ۱۳۷۸ش، *امام علی علیه السلام، الگوی زندگی*، قم: فاطیما.
 ۳. انصاریان، حسین، ۱۳۸۹ش، *سیری در معارف اسلامی*، جلد اول، قم: دارالعرفان.
 ۴. بابازاده، علی اکبر، ۱۳۷۲ش، *آفتاب ولایت*، تهران: بدر.
 ۵. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، بی تا، *جلوه‌ای از حکومت علوی*، تهران: نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران
 ۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، بی تا، *عمر الحکم و درر الکلم*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
 ۷. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷ش، *دانشنامه امام علی علیه السلام*، ج ۹ و ۱۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ش (الف)، *جامعه در قرآن*، قم: مؤسسه اسراء.
 ۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ش (ب)، *سیره پیامبران در قرآن*، ج ۶، قم: مؤسسه اسراء.
 ۱۰. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۰ش، *انسان ۲۵۰ ساله*، قم: مؤسسه ایمان جهادی.
 ۱۱. حموی جوینی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۹۸ق، *فرائد التبتین فی فضائل المرتضی والتبول والتبتین والأئمة من ذریتهم*، بیروت: مؤسسه المحمودی.
 ۱۲. خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۲ش، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۱۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم، ۱۳۷۲ش، *مفردات الفاظ قرآن*، ج ۲، به کوشش سیدغلامرضا خسروی حسینی، طهران: مکتبه المرتضوی.
 ۱۴. سیدعلوی، ابراهیم، ۱۳۹۰ش، *تاریخ توصیفی تحلیلی صدر اسلام*، قم: دفتر نشر معارف.
 ۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۴ق، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۱۶. صادقی واعظ، علیرضا، ۱۳۹۱ش، *صبر علی علیه السلام نجات اسلام*، قم: کتاب سعدی.
 ۱۷. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴ش، *تفسیر المیزان*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین



حوزه علمیه قم.

۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۴، طهران: انتشارات ناصرخسرو.
۱۹. طبرسی، علی بن الحسن، ۱۹۶۵م، *مشکاه الانوار فی غرر الاخبار*، ج ۱، نجف اشرف: مکتبه الحیدریه.
۲۰. غضنفری، علی، ۱۳۹۳ش، *حکومت اسلامی در نهج البلاغه*، قم: نیلوفرانه.
۲۱. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۲. قطبی، محمود، ۱۳۹۶ش، *صبر و استقامت در نهج البلاغه*، قم: انتشارات احمدیه.
۲۳. قمی، عباس بن محمد رضا، ۱۳۸۴ش، *مفاتیح الجنان*، قم: آیین دانش.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۷ش، *کافی*، ج ۲، تهران: گلگشت
۲۵. کراچکی، محمد بن علی، ۱۳۶۹ش، *کنز الفوائد*، قم: مکتبه المصطفوی.
۲۶. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، ج ۴۱ و ۶۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹ش، *آشنایی با قرآن*، ج ۱۴، تهران: صدرا.
۲۸. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامی.
۳۰. منقری، نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ش، *وقعه صفین*، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- مقاله**
۳۱. ربانی، رسول و ارزانی، حبیب الله، ۱۳۹۴ش، تبیین و تحلیل روایی فضیلت اخلاقی صبر در نهج البلاغه، *مجله اخلاق*، دوره ۱۱، شماره ۳۹، صص ۳۷-۶۵.
۳۲. نوروزی، رضا علی؛ رضانی، فاطمه، یاوری، احسان، ۱۳۹۵ش، صبر اجتماعی در قرآن کریم، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، دوره ۲۲، شماره ۱۱۰، صص ۱۵۹-۱۷۴.